

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

خلاصه بحث گذشته

امام خمینی در مسئله هفتم فرمودند:

يستحب قضاء النوافل الرواتب، و يكره أكيدا تركه إذا شغله عنها جمع الدنيا، و من عجز عن قضائها استحب له التصديق بقدر طوله، و أدنى ذلك التصديق عن كل ركعتين بمد، و إن لم يتمكن فعن كل أربع ركعات بمد، و إن لم يتمكن فمدّ لصلاة الليل و مدّ لصلاة النهار.^[1]

قضای نوافل استحباب دارد و این استحباب هم (بر حسب آنچه بسیاری گفته‌اند) مؤکد است. یک نکته دیگر این است که در عبارت تحریر فقط آمده «يستحب قضاء النوافل الرواتب»؛ نافله‌های مرتب صبح، ظهر، عصر قضایشان مستحب است، اما آنچه مرحوم سید در عروه دارد تصریح دارد به «استحباً مؤکداً»^[2]. در عبارت تحریر کلمه استحباب مؤکد نیامده، اما کراهتش را گفته‌اند مؤکد است.

بررسی تأکد استحباب در قضای نوافل رواتب

مرحوم امام می‌فرماید: «و يكره اكيداً تركه إذا شغله عنها جمع الدنيا»، آیا مراد ایشان آن است که تأکدش برای ما ثابت نیست؛ اصل استحباب ثابت است اما تأکدش برای ما ثابت نیست و اساساً این تأکد از کجا استفاده شده؟ ما وقتی مراجعه می‌کنیم، سید در عروه تصریح کرده به تأکد الاستحباب و از عبارت صاحب ریاض استفاده می‌شود، گفتیم دلیل بر این استحباب قبل از روایات، اجماع است، مثلاً از معقد اجماع هم می‌شود تأکد را استفاده کرد. محقق خوئی نیز تصریح کرده به تأکد و می‌فرماید این تأکد از نصوص فهمیده می‌شود.

حال سؤال این است که اصل الاستحباب از این روایات فهمیده می‌شود بحثی نیست، آیا تأکدش را هم می‌شود از روایات فهمید؟ روایاتی که در جلسه گذشته خواندیم، عمدتاً این را دارد که «فيعجب الرب ملائکته»، اینکه ملائکه به اعجاب در می‌آیند از این عملی که انسان انجام می‌دهد یا خدا مباحثات می‌کند یا از عبارت «ليباح الله ملائکته» می‌شود تأکد را استفاده کرد یا این‌که فقط اصل استحباب استفاده می‌شود؟ این روایت را قبلاً گفتیم «إن العبد يقوم فيقضى النافلة فيعجب الرب ملائکته منه و يقول»، این اعجابش هم همین است: «ملائکتی عیدی یقضى ما لم افترضه عليه»^[3]؛ آنچه من برایش واجب نکردم را قضا می‌کند، آیا از همین تعبیر می‌شود تأکد را فهمید؟ به نظر ما نمی‌شود تأکد را فهمید.

راه‌های اثبات تأکد استحباب

برای اثبات تأکد استحباب چند راه وجود دارد:

1. جلسه قبل عرض کردیم بگوئیم ملازمه وجود دارد؛ یعنی اگر جایی ترکش کراهت اکیده داشت خود آن فعل هم استحباب اکیده دارد. به هر حال تنها راهش همین است که اگر بگوئیم ترک کراهت اکیده دارد فعل می شود استحباب اکید و به نظر ما این ملازمه ثابت است.

2. راه دوم اینکه خود این تعبیر در روایت فقط برای مستحبات مؤکده به کار برده می شود؛ یعنی وقتی یک عبادی نماز شب می خواند خدا به نماز شب او مباحات می کند، به خود نافله شاید مباحات نکند ولو اینکه شاید روایت داشته باشد ولی برای قضای نافله، «یا ملائکتی انظروا إلی عبادی یقضى ما لم افترضه علیه»، بگوئیم از خود این تعبیر تأکید استفاده می شود. پس برای تأکد یکی از این دو راه است.

بررسی استحباب قضا بر نوافل غیر رواتب

همان گونه که اشاره شد قضای رواتب استحباب مؤکد دارد و ترکش هم کراهت مؤکد است، ما در میان نوافل دو مصداق دیگر داریم:

أ. یک مصداق این نوافلی داریم که اصلاً وقتی برایش معین نشده مثل نماز جعفر طیار که برای او وقت خاصی معین نشده. آیا در مورد اینها هم بگوئیم من تا حالا می توانستم نمازهای جعفر طیار زیادی بخوانم ولی نخواندم، حالا قضا کنم؟ این روشن است که قضا در نوافلی که دارای وقت معینی نیست اصلاً معنا ندارد؛ یعنی همیشه ادا است شما نماز جعفر را هر وقت بخوانید ادا است.

ب. قسم دوم نمازهای مستحبی ای که وقت معینی دارد اما از رواتب نیست، رواتب این نمازهای نافله نمازهای یومیه است اما نمازهای نافله ای که موقت است یعنی وقت معین دارد مثل نماز اول ماه، مثلاً دیروز اول ماه بوده و گذشت و نخواندیم، امروز آیا قضای او مستحب است یا نه؟ یا شبهای ماه مبارک رمضان نمازهایی که برایش وارد شده، نماز شب اول، نماز شب دوم، یک کسی شب اول موفق به خواندن نمی شود آیا شب دوم می تواند قضا کند نماز شب اول را یا نه؟ پس بحث این است که آیا این استحباب قضا مختص بالرواتب یا اینکه در غیر رواتب هم جریان دارد؟

امام خمینی در متن تحریر فقط مسئله رواتب را آوردند و اصلاً از غیر رواتب حرفی نزدند و معلوم می شود که ایشان از این روایات رواتب را استفاده کردند.

دیدگاه صاحب جواهر

صاحب جواهر می فرماید: شاید مراد به این نوافلی که باید قضا بشود «الرواتب خاصة»، فقط رواتب است اما غیر راتب «لایقضى غیرها وإن وقت الشارع لها وقتاً»؛ ولو شارع برایش وقتی معین کرده باشد، مثلاً نماز اول ماه را دیروز نخواندیم و وقتش گذشت و قضا ندارد. دلیل صاحب جواهر چیست؟ «لعدم دلیل علی مشروعیته لظهور اختصاص النص و الفتوی بها»؛ زیرا نصوص و فتاوا به رواتب اختصاص دارد و هم نصوص و هم فتاوا شامل غیر رواتب نمی شود.^[4]

اینکه صاحب جواهر می فرماید: نص اختصاص دارد، هیچ راهی ندارد غیر از مسئله انصراف و الا روایات مطلق است، در روایت دارد: «إن العبد یقوم فیقضی النافلة»، صاحب جواهر و یک عده ای می خواهند ادعا کنند که این نافله انصراف به رواتب

مرحوم حکیم در مستمسک می‌فرماید: «و دعوی الانصراف الی الرواتب كما ترى ممنوعة»^[5]؛ وجهی ندارد، نافله هم شامل راتب می‌شود و هم شامل غیر راتب، اینطور نیست که بگوئیم نافله را در رواتب زیاد استعمال کردند. مرحوم حکیم یک استصحاب در کنارش قرار می‌دهد. این استصحاب در اینجا همان بحث‌هایی را دارد که در باب جریان استصحاب در قضا است که آیا قضا محتاج به دلیل جدید هست یا نه؟ آنجا مفصل بحث کردیم و تکرار نمی‌کنیم که آیا این استصحاب جریان دارد یا نه؟ آیا از قبیل استصحاب نوع دوم و سوم است؟

قرینه بر اختصاص استحباب قضا به رواتب

حال که مرحوم حکیم می‌فرماید: «و دعوی الانصراف ممنوعة»؛ یک قرینه برای انصراف می‌توانیم پیدا کنیم و آن قرینه در باب بدلش هست که بدل را هنوز نخواندیم بعد عرض می‌کنیم، در روایات آمده که مستحب است قضای نافله روز را که شب بخوانیم و قضای نافله شب را مستحب است روز بخوانیم. بعد بدل از هر دو رکعت یک مُد بدهید، از هر چهار رکعت یک مُد بدهید، از نافله روز یک مُد بدهید، اینها همه قرینه می‌شود بر اینکه این نافله مراد نافله رواتب است؛ یعنی بهترین قرینه بر اینکه اینجا نافله شامل غیر رواتب نمی‌شود و مختص به رواتب است این بدلی است که در این روایات برای قضا ذکر شده است.

پس اینکه مرحوم حکیم می‌فرماید: «و دعوی الانصراف ممنوعة»، ما ادعای انصراف می‌کنیم و دلیل بر انصراف داریم و قرینه‌اش همین جعل بدل در این روایت است. بگوئیم برای نماز اول ماه بدلش چیست اگر نمی‌تواند قضا کند؟ معلوم می‌شود جایی دو رکعت بیاوریم که چهار رکعتی است، معلوم می‌شود رواتب است و شامل نماز اول ماه نمی‌شود. پس به نظر ما این قرینه برای انصراف می‌شود و از این جهت مشکلی ندارد.

دیدگاه سید یزدی

مرحوم سید در عروه می‌فرماید: «لا یبعد استحباب قضاء غیر الرواتب من النوافل الموقته»، ایشان اول با لا یبعد می‌گویند، بعد می‌گوئیم دلیلتان چیست؟ اطلاق نصوص، نصوص به معنای «یقضی النافله»، نمی‌گوید راتب باشد، بعد می‌گوید: «الاولی قضاء غیر الرواتب من الموقتات بعنوان احتمال المطلوبیه و ذلک من جهة احتمال الانصراف الی الرواتب»؛ می‌گویند ما اینجا احتمال می‌دهیم که انصراف رواتب داشته باشیم.

در اینجا اولاً، باید یک فحسی در روایات نوافل کنید، بعید نیست در روایات غالباً کلمه نوافل بر رواتب استعمال شده باشد.

ثانیاً، آن قرینه‌ای که ما عرض کردیم که این جعل البدل تناسب با رواتب دارد و بدل از دو رکعت این است، بدل از چهار رکعت این است، بدل از نافله روز این است و بدل از نافله شب این است، این قرینه روشنی است و به این معناست که این مبدل‌منه اختصاص به رواتب دارد و شامل غیر رواتب نمی‌شود. پس برای انصراف دو راه می‌شود درست کرد، یک راه مراجعه کنیم به خود روایات و ائمه کثرت استعمال در رواتب شده و راه دوم همین جعل بدلی است که ما عرض کردیم.

حکم عاجز از قضای نوافل

مطلب بعد آن است که اگر کسی عاجز از قضا است، اینجا یک عبارتی از مرحوم شیخ در نهاییه و مبسوط از وسیله و تذکره

کرده‌اند و گفته‌اند: «إِنْ عَجَزَ تَصَدَّقَ عَنْ كُلِّ رَكْعَتَيْنِ بِمَدٍّ فَإِنْ تَعَذَّرَ فَأَنْ كُلَّ يَوْمٍ بِمَدٍّ»، همین مقدار. این عبارت در مبسوط^[6] شیخ طوسی آمده، البته به نقلی که ما از مفتاح الکرامه^[7] نقل می‌کنیم. در نهایت الاحکام آمده: «فَإِنْ تَعَذَّرَ فَعَنْ كُلِّ يَوْمٍ بِمَدٍّ فَإِنْ تَعَذَّرَ فَمَدُّ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ وَ مَدُّ بِصَلَاةِ النَّهَارِ، فَإِنْ تَعَذَّرَ فَمَدُّ لِهَمَا»^[8].

بنابراین در بعضی از کتب فقهی داریم که «إِنْ تَعَذَّرَ» از هر دو رکعت یک مُد و اگر نشد از هر روزی یک مُد و صحبت اینکه از چهار رکعت یک مُد، نیامده است.^[9]

در روایتی که قبلاً خواندیم اول «بقدر طول» آمده؛ یعنی هر مقداری که می‌تواند، «فَسَكَتَ مَلِيًّا» یعنی یک سکوتی که طول کشید نه سکوت آنّا ما، «ثُمَّ قَالَ فَلْيَتَصَدَّقْ بِصَدَقَةٍ»؛ اولی‌اش بقدر طول. مرتبه دوم از هر دو رکعت از صلاة ظهر یک مُد، از صلاة شب هم یک مُد. مرتبه سوم از هر چهار رکعت است. «بقدر طول» یعنی رکعات را کنار می‌گذارد و هر چه می‌تواند بدهد، صدّها مُد بدهد. حال اگر کسی یک چنین امکان مالی ندارد.

در روایت می‌گوید اول به اندازه قدرت، بعد هر دو رکعت، بعد هر چهار رکعت، بعد برای روز یک مُد و برای شب هم یک مُد. اما در عباراتی که از شیخ طوسی خواندیم، ایشان می‌گوید برای دو رکعت یک مُد و برای لکل یوم یک مُد. اینجا صاحب مفتاح الکرامه می‌گوید: بعید نیست که این «لکل یوم» اشتباه از نسخا باشد، «لکل اربع رکعات مدّ»، یعنی تا تطبیق با روایت پیدا کند. صاحب مفتاح الکرامه هم می‌گوید: «و کان مکان قوله عن کل یومه، عن کل اربع و السهو من قلم الناسخ»؛ سهو هم از قلم ناسخ است.

دیدگاه سید یزدی

نتیجه تا اینجا این شد که برای روز یک مُد و برای شب هم یک مُد، حال اگر این هم قدرت ندارد، سید می‌گوید: «لا یبعد مدّ لکل یوم و لیلاً»؛ برای هر شبانه‌روز یک مُد قرار بدهید، این چه وجهی دارد؟ این در روایات نیامده بود، در آخرش آمده بود: «قال فمدّ إذن بصلاة اللیل و مدّ لصلاة النهار»، حالا یک فرض دیگری سید می‌گوید که اگر کسی همین مقدار قدرت ندارد یک مد برای صلاة لیل بدهد و یک مد برای صلاة نهار، می‌فرماید یک مد بدهد برای مجموع یوم و لیله.^[10]

مرحوم حکیم در مستمسک می‌فرماید: بعید نیست همان است که از شیخ نقل کردیم که شیخ می‌گوید «لکل یوم مدّ» مراد همین باشد و بعد هم نکته دوم می‌فرماید: «و من البعید جداً أن لا یكون به رواية»، حتماً هم اینکه مرحوم سید در اینجا آمده این را گفته یک روایتی هم دارد.^[11]

ارزیابی

اشکال ما این است که اولاً، لازم نیست بگوئیم این فرمایش سید با توجه به آن است که اصحاب مثل شیخ و دیگران گفته‌اند «لکل یوم مدّ»، نیازی به این نیست. ضابطه را تقریباً امام علیه‌السلام به دست ما داده، اول می‌فرماید برای هر دو رکعت یک مد، بعد می‌گوید برای هر چهار رکعت یک مد، بعد می‌گوید نافله روز یک مد و شب یک مد، بعد اگر نداد مجموع من یوم و لیله، سید هم «لا یبعد» می‌گوید. اگر آخرش هم نداشته باید استغفار کند، این نیاز به روایت دیگری ندارد که بگوئیم حتماً اینجا روایت دیگری هم موجود است.

به نظر ما اینکه بگوئیم لکل یوم، در روایت که نداریم لکل یوم، بگوئیم امام می‌فرماید نه، اگر برای ظهر و شب دو مُد نمی‌تواند بدهد باب بدل بسته شد و تمام شد، این خلاف ظاهر است. ظاهراً این است که شارع برای این انسان راه باز می‌کند. می‌خواهد

بگوید بالآخره این بدل جای نماز و فضیلت آن را نمی‌گیرد، اما فرض این است که الآن عَجَزَ، اگر عاجز نباشد که مسلم صلاة را قضا کند.

و صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

[1] . تحرير الوسيلة؛ ج، ص: 225، مسئله 7.

[2] . «يستحب قضاء النوافل الرواتب استحباباً مؤكداً بل لا يبعد استحباب قضاء غير الرواتب من النوافل الموقته دون غيرها و الأولى قضاء غير الرواتب من الموقتات بعنوان احتمال المطلوبة و لا يتأكد قضاء ما فات حال المرض و من عجز عن قضاء الرواتب استحباب له الصدقة عن كل ركعتين بمد و إن لم يتمكن فعن كل أربع ركعات بمد و إن لم يتمكن فمد لصلاة الليل و مد لصلاة النهار و إن لم يتمكن فلا يبعد مد لكل يوم و ليلة و لا فرق في قضاء النوافل أيضاً بين الأوقات.» العروة الوثقى (للسيد اليزدي)؛ ج، ص: 735، مسئله 14.

[3] . «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ عَنْ الْحَسَنِ يَعْنِي ابْنَ سَعِيدٍ عَنْ فَضَالَةَ عَنْ ابْنِ سَنَانَ يَعْنِي عَبْدَ اللَّهِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ إِنَّ الْعَبْدَ يَقُومُ فَيَقْضِي النَّافِلَةَ - فَيُعْجِبُ الرَّبُّ مَلَائِكَتَهُ مِنْهُ - فَيَقُولُ مَلَائِكَتِي عَبْدِي يَقْضِي مَا لَمْ أَفْتَرِضْهُ عَلَيْهِ.» التهذيب 2- 164 - 646؛ الكافي 3- 488 - 8؛ وسائل الشيعة، ج، ص: 75، ح 4552-1.

[4] . «نعم يشترط أن تكون موقته و لعل المراد بها الرواتب خاصة، فلا يقضى غيرها و إن وقت الشارع لها وقتاً، لعدم دليل على مشروعيتها، لظهور اختصاص النص و الفتوى بها.» جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام؛ ج، ص: 15.

[5] . «و دعوى الانصراف الى الرواتب - كما ترى - ممنوعة. مع أن الاستصحاب كاف في إثبات الاستصحاب.» مستمسك العروة الوثقى؛ ج، ص: 71.

[6] . المبسوط في فقه الإمامية، ج، ص: 128.

[7] . مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة (ط - الحديث)، ج، ص: 612.

[8] . نهاية الأحكام في معرفة الأحكام، ج، ص: 326.

[9] . «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سَنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ أَخْبِرْنِي عَنْ رَجُلٍ عَلَيْهِ مِنْ صَلَاةِ النَّوَافِلِ مَا لَا يَدْرِي مَا هُوَ مِنْ كَثَرَتِهَا كَيْفَ يَصْنَعُ قَالَ فَلْيُصَلِّ حَتَّى لَا يَدْرِيَ كَمْ صَلَّى مِنْ كَثَرَتِهَا فَيَكُونُ قَدْ قَضَى بِقَدْرِ عِلْمِهِ مِنْ ذَلِكَ ثُمَّ قَالَ قُلْتُ: لَهُ فَإِنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْقَضَاءِ فَقَالَ إِنْ كَانَ شُغْلُهُ فِي طَلَبِ مَعِيشَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا أَوْ حَاجَةٍ لِأَخٍ مُؤْمِنٍ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ إِنْ كَانَ شُغْلُهُ لِمَجْمَعِ الدُّنْيَا وَ التَّشَاغُلِ بِهَا عَنْ الصَّلَاةِ فَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَ إِلَّا لَفِيَ اللَّهُ وَ هُوَ مُسْتَحْفٌ مُتَهَاوِنٌ مُضَيِّعٌ لِحُرْمَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قُلْتُ فَإِنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْقَضَاءِ فَهَلْ يُجْزِي أَنْ يَتَصَدَّقَ فَسَكَتَ مَلَبِياً ثُمَّ قَالَ فَلْيَتَصَدَّقْ بِصَدَقَةٍ قُلْتُ فَمَا يَتَصَدَّقُ قَالَ بِقَدْرِ طَوْلِهِ وَ أَدْنَى ذَلِكَ مَدٌّ لِكُلِّ مَسْكِينٍ مَكَانَ كُلِّ صَلَاةٍ قُلْتُ وَ كَمْ الصَّلَاةُ الَّتِي يَجِبُ فِيهَا مَدٌّ لِكُلِّ مَسْكِينٍ قَالَ لِكُلِّ رَكْعَتَيْنِ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ مَدٌّ وَ لِكُلِّ رَكْعَتَيْنِ مِنْ صَلَاةِ النَّهَارِ مَدٌّ فَقُلْتُ لَا يَقْدِرُ فَقَالَ مَدٌّ إِذَا لِكُلِّ أَرْبَعِ رَكْعَاتٍ مِنْ صَلَاةِ النَّهَارِ (مَدٌّ لِكُلِّ أَرْبَعِ رَكْعَاتٍ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ) قُلْتُ لَا يَقْدِرُ قَالَ فَمَدٌّ إِذَا لِمَصَلَاةِ اللَّيْلِ وَ مَدٌّ لِمَصَلَاةِ النَّهَارِ وَ الصَّلَاةُ أَفْضَلُ وَ الصَّلَاةُ أَفْضَلُ وَ الصَّلَاةُ أَفْضَلُ» الكافي 3- 488 - 8؛ الكافي 3- 453 - 13؛ التهذيب 2- 11 - 25؛ التهذيب 2- 198 - 778؛ المحاسن - 315-33؛ وسائل الشيعة؛ ج، ص: 75، ح 4553-2.

[10] . العروة الوثقى (للسيد اليزدي)؛ ج، ص: 735، مسئله 14.

[11] . مستمسك العروة الوثقى، ج، ص: 72.